



## عدل موعود از منظر آیین یهود و مسیحیت

سید محمدصادق محمدی

### اشاره:

گویاترین و جامع‌ترین تعریف عدالت که پارسی آن دادگری است، فرموده حضرت علی علیه السلام است: «العدل یضع الامور مواضعها».

عدالت فطری است و دو نشانه بر فطری بودن آن ذکر شده است:

۱- عشق به صلح و عدالت

۲- انتظار عمومی برای رهاکننده‌ای بزرگ

عدالت گستری از اصول مهم برنامه رهبران الهی است. از این رو در تورات نیز آمده است:

«روح خداوندی بر من استوار است؛ زیرا خداوند مرا مسح کرده است و به من رسالت داده است بینوایان را بشارت دهم که به بند افتادگان را اعلام رهایی و نایبانیان را آزاد کنم و خوش سالی خداوند را بشارت دهم».

یهود و مسیحیت نیز منتظر موعودند و اصلی‌ترین انتظاری که از موعودشان دارند عدالت گستری اوست. علاوه بر این که عقل حکم می‌کند، کسی رهاکننده بزرگ و ناجی بشریت است که ظلم ستیز و عدل گستر باشد و این همه انتظار زینده‌ی چنین موعودی است، آیه‌های بسیاری از عهد عتیق و عهد جدید بر آن دلالت می‌کند، و حتی در گنجینه‌ای از تلمود آمده است که تامین سعادت بشر به واسطه موعود قسمتی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است.

گستره عدالت گستری موعود گسترده‌تر از جامعه بشری است از این رو موجودات دیگر نیز از حکومت عدل محور او بهره‌مند می‌شوند.

عدالت که لغت پارسی آن دادگری است، در قاموس کتاب مقدس به معنی دو نیم کردن<sup>۱</sup> و در مفردات به معنای مساوات آمده است<sup>۲</sup>، ولی از آن جا که دو نیم کردن و مساوی پخش

۱. قاموس کتاب مقدس، ترجمه مستر هاکس آمریکایی، طبع بیروت، ۱۹۲۸. ص ۵۹۹.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، المکتبة المرتضویه، ص ۳۲۵.

کردن همیشه عادلانه نیست و گاهی عین بی‌عدالتی است، به نظر می‌رسد گویاترین و کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعریف عدالت، فرموده حضرت علی علیه السلام است: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدالت هر چیزی را به جای خودش می‌گذارد»<sup>۱</sup>.

در این سخن، دو نیم کردن و تساوی که در قالب عدالت بگنجد، وجود دارد و تقسیم برابری که به شوره زار ظلم ختم شود، طرد شده است. بنابراین، عدالت آن است که هر چیزی به «جای» واقعی خود بنشیند و به بیانی دیگر، هر چیز به حق خود برسد یا حق هر کس و هر چیز به وی داده شود.

### فطری بودن عدالت

هر مسئله‌ای از دو راه قابل بحث و بررسی است: از طریق «عقل و خرد» و از طریق «عاطفه و فطرت».

فطرت همان الهام و درک درونی است که نیاز به دلیل ندارد؛ یعنی بدون استدلال و برهان انسان آن را پذیرا می‌شود و به آن ایمان دارد.

این گونه الهامات باطنی گاهی امواجش از داورهای خرد نیرومندتر و اصالتش بیش‌تر است؛ که این‌ها ادراکات ذاتی است و آن‌ها معلومات اکتسابی...

آیا در مسأله مورد بحث، یعنی پایان گرفتن جهان با جنگ و خون‌ریزی و ظلم و بیدادگری، یا حکومت صلح و عدالت و امنیت، الهامهای فطری می‌تواند به ما کمکی کند یا نه؟ پاسخ این سؤال مثبت است. زیرا دو نشانه قابل ملاحظه وجود دارد که می‌تواند ما را به حقیقت رهنمون گرداند:

#### ۱. عشق به صلح و عدالت

عشق به صلح و عدالت در درون جان هر کسی هست؛ همه از صلح و عدل لذت می‌برند؛ و با تمام وجود خودخواهان جهانی مملو از این دو هستند.

با تمام اختلاف‌هایی که در میان ملت‌ها و امت‌ها در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشق‌ها و علاقه‌ها، خواست‌ها و مکتب‌ها وجود دارد، همه بدون استثنا سخت به این دو علاقه‌مندند و گمان می‌کنم دلیلی بیش از این بر فطری بودن آن‌ها لزوم ندارد؛ چه این که همه جا عمومیت خواسته‌ها، دلیل بر فطری بودن آن‌هاست. آیا این یک عطش کاذب است؟ یا نیاز واقعی که در

۱. آه بشته - س - م، میردامادی، گفت‌وگو، عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی،

زمینه آن، الهام درونی به کمک خرد شتافته؛ تا تأکید بیش‌تری روی ضرورت آن کند؟ (دقت کنید)

آیا همیشه تشنگی ما دلیل بر این نیست که آبی در طبیعت وجود دارد؟! و اگر آب وجود خارجی نداشته باشد، آیا ممکن است عطش و عشق و علاقه به آن در درون وجود ما باشد؟ ما می‌خروشیم، فریاد می‌زنیم، فغان می‌کنیم، و عدالت و صلح می‌طلبیم؛ و این نشانه آن است که سرانجام این خواسته‌ها تحقق می‌پذیرد و در جهان پیاده می‌شود. اصولاً فطرت کاذب مفهومی ندارد؛ زیرا می‌دانیم آفرینش و جهان طبیعت یک واحد به هم پیوسته است، و هرگز مرکب از یک سلسله موجودات از هم گسسته و از هم جدا نیست... به هر حال، فطرت و نهاد آدمی به وضوح صدا می‌زند که سرانجام، صلح و عدالت جهان را فرا خواهد گرفت و بساط ستم برچیده می‌شود؛ چرا که این خواست عمومی انسان‌ها است.<sup>۱</sup>

## ۲. انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ

تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند متفقند که: تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می‌برند، که هر کدام او را به نامی می‌نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق دارند. بنابراین... مسأله ایمان به ظهور یک نجات‌بخش بزرگ... یک اعتقاد عمومی و قدیمی، در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است... و این خود دلیل و گواه دیگری بر فطری بودن این موضوع است.<sup>۲</sup>

## ۳. عدالت‌گستری از اصول مهم برنامه رهبران الهی

ایجاد عدالت، اقوام اصلی و سرلوحه همه برنامه‌های امام منجی حضرت مهدی علیه السلام است، چنان که این اصل از نخستین هدف‌ها و اصلی‌ترین برنامه‌های همه پیامبران بوده است که در گذشته تاریخ، اجتماعات و مردم را بدان فرا خواندند و در راه تحقق آن فداکاری‌های فراوان کردند. می‌توان گفت بیش‌ترین درگیری و مبارزه پیامبران بر سر اجرای عدالت بوده است، و اصول شرایع آنان از آن جهت دچار موانع می‌گشته و با کار شکنی‌های فراوانی روبرو شده است که ماهیتی ظلم‌ستیز و دادگرایانه داشته است. و گرنه صرف اعتقاد به اصول و مبانی دینی، بی‌آنکه در حرکت اجتماعی دخالت داشته باشد و با بیداد و ستم درگیر شود و برنامه‌های

۱. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام قم، انتشارات نسل جوان، ج ۱۱، ص ۵۱.

۲. همان.

اقتصادی و مالی را کنترل کند و ... درگیری و ستیزی را در پی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>  
در تورات نیز همدردی خداوند با بی‌نویان، هسته رسالت مسیح را تشکیل می‌دهد. مسیح  
عشق ویژه خداوندی به بینویان است. با استناد به آیه ۶۱ یسایا آمده است:

روح خداوندی بر من استوار است؛ زیرا خداوند مرا مسح کرده است و به من رسالت  
داده است، بینویان را بشارت دهم که به بند افتادگان را اعلام رهایی و نایبانیان را  
مژده به نور دیده می‌دهد. آمده‌ام پایمال شدگان را آزاد کنم و خوش سالی خداوند را  
بشارت دهم.<sup>۲</sup>

حال که عدالت‌گستری، اصلی از اصول مهم برنامه همه رهبران الهی است، و از طرفی،  
این اصل محوری به علت موانع عدیده‌ای که وجود داشته است به صورت همه جانبه و  
گسترده به اجرا در نیامده است، عطش فطری جامعه جهانی برای اجرا و گسترش همه جانبه  
عدالت محفوظ مانده است. از این رو، همگان در انتظار منجی بزرگ و عدالت‌گستر به سر  
می‌برند. به ویژه اگر شاهد ظلم و زور ظالمان باشند که در این زمان، بر اساس فطرت ذاتی  
خویش از خواب گران بیدار می‌شوند و همه کس و در همه جا در چنین موقعیت‌هایی بیش از  
پیش تشنه موعود و عدالت جهانی او می‌شوند.

ناگفته نماند در دوران ظهور موعود، موانع گوناگونی که برای رهبران گذشته الهی بوده  
است، وجود نخواهند داشت و زمین و زمان و همه مردم، زمینه پذیرش عدالت‌گستری را پیدا  
خواهند کرد و این را می‌توان یکی از امتیازهای دوران موعود دانست.

اینک این پرسش مطرح است که آیا یهود و مسیحیان نیز در انتظار موعود منجی هستند؟  
و در صورتی که چنین انتظاری را داشته باشند، آیا آن منجی موعود، عدالت‌گستر هم هست؟  
و در فرضی که عدالت‌گستر باشد آیا گستره عدالت او به گستردگی جامعه بشری است یا برکت  
عدالت او همگانی است و حتی شعاع عدالت‌گستری او موجودات دیگر را هم در بر می‌گیرد؟

#### ۴. انتظار موعود در آیین یهود و مسیحیان

پیش از آن که به بحث انتظار بپردازم، تذکر این نکته ضروری است که پرداختن به مقوله  
انتظار در محدوده محدودی که بیان شده است از دو جهت اهمیت دارد: نخست این که در  
لا به لای همین فرازهایی که در باب انتظار آمده، نکته‌هایی نیز در باب دادگستری موعود وجود  
دارد و از این زاویه مربوط به بحث و موضوع مورد نظر است.

۱. محمد حکیمی، عصر زندگی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ج ۵، ص ۲۴.

۲. گفت‌وگو، ص ۲۸.

از سوی دیگر، اگر آفتابی شود که اهل کتاب نیز چون دیگر ملل در دایره انتظارند (علاوه بر نقل و بشارت‌های عهدین) از عقل نیز یاری می‌گیریم که اگر قومی در حوزه انتظار داخل شدند و از چشم به راهی موعودشان گفتند، بی‌درنگ اصلی‌ترین انتظاری که از موعودشان دارند ظلم ستیزی و عدالت گستری او است و عقل می‌گوید: هر آن کس که منتظر آمدن موعود است، منجی بودن و ظلم سوزی او را نیز لحاظ کرده است و هرگز نمی‌توان گفت منتظر موعودی هستند که پس از ظهورش در اندیشه عدالت‌گستری نیست یا برای عدالت‌پروری برنامه‌ای ندارد.

از سویی، اگر آن موعود جهانی ظهور کند و پس از آمدنش دست روی دست بگذارد و نظاره‌کننده تبعیض‌ها و ستم‌ستمکاران به توده‌ی ضعیف و بی‌پناه باشد، هرگز نمی‌توان او را ناجی بشر خواند در حالی که اهل کتاب به ویژه یهود، همه سختی‌ها را به امید آینده‌ای تحمل می‌کنند که با برگشت موعودشان، آرمان شهری از عدالت بنا نهاده شود و به همین سبب این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج بود:

«اگر چه ابتدایت صغیر بود عاقبت تو بسیار رفیع می‌گردد».

در دایرة المعارف کتاب مقدس آمده است: به آمدن ثانوی مسیح برای سلطنت در قسمت‌های زیادی از عهد عتیق و عهد جدید اشاره شده است. تثنیه ۳: ۳۰؛ مرموز ۲؛ اشعیا ۱: ۶۳ و... ویژگی‌های روزهای پیش از آمدن ثانوی مسیح را بیان می‌کند و خود واقعه به شکل زیبایی در متن (۲۷: ۲۴-۳۰) ترسیم گردیده است. آمدن ثانوی مسیح یک واقعه مخفی نخواهد بود، بلکه هر چشمی آن را خواهد دید. بنا بر متی: (۲۵: ۳۱-۴۶). مسیح پس از ظهور ثانوی خود تخت پادشاهی خود را برقرار خواهد نمود و امت‌ها را داوری می‌نماید. کتاب مکاشفه، از بسیاری جنبه‌ها مهم‌ترین بخش درباره آموزه ظهور ثانوی مسیح است. حقیقت بالا در مکاشفه (۱: ۷) چنین بیان شده است:

«اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را

نیزه زدند و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید...»

حضرت مسیح در حالی تصویر گردیده است که سوار بر اسب سفید و همراه با لشکریان آسمان می‌آید تا به عنوان شاه شاهان و رب‌الاریاب، زمینی را که مملو از شرارت است داوری نماید و سلطنت هزارساله خود را به همراه مقدسین آغاز نماید. در این مدت، هزارسال شیطان بسته شده و به چاه هاویه افکنده می‌گردد تا در سرتاسر این مدت از فعالیت او جلوگیری شود.<sup>۱</sup>

۱. بهرام محمدی، (ویراستار و مسئول گروه ترجمه)، دایرة المعارف کتاب مقدس، تهران: سرخدا، ص ۵۲۱.

سپس می‌نویسد: باید توجه داشت که ربوده شدن کلیسا و ظهور ثانوی مسیح بر زمین دو واقعه مختلف هستند، اگر چه در هر دو واقعه «خداوند» می‌آید ولی در واقعه ربوده شدن، او تنها به جو زمین می‌آید تا مقدسین را به آسمان ببرد در حالی که در ظهور ثانوی مسیح، به روی زمین می‌آید و سلطنت هزارساله را بر روی زمین برقرار می‌سازد.<sup>۱</sup>

از سویی، اندیشه مسیحا ماهیتاً یهودی است. یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند. شخصیت مورد انتظار، ماشیح (مسح شده) خوانده می‌شد... دل‌های بنی‌اسرائیل از عشق مسیحای موعود لبریز بود و در مقابل حاکمان ستمگر، همواره در کمین چنین رهبر رهایی بخشی بوده‌اند. در باب دوم انجیل متی می‌خوانیم که: هیرودیس کبیر، پادشاه فلسطین پس از زاده شدن حضرت عیسی در صدد قتل او برآمد. اما چون وی را به فرمان الهی به مصر بردند خطر را از سر گذراند.<sup>۲</sup>

مستر هاکس درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» می‌نویسد:

عبرانیان منتظر قدم مبارک «مسیح» نسل بعد نسل بودند و وعده آن وجود مبارک، مکرراً در «زبور» و کتب پیامبران علی‌الخصوص در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «یحیای تعمیددهنده» آمده، به قدم مبارک وی بشارت داده، لیکن یهود آن نبوت (پیش‌گویی) ها را نفهمیده، با خود همی‌اندیشیدند که «مسیح» سلطان زمان خواهد شد و ایشان را از ذلت جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد.<sup>۳</sup>

## موعود و عدالت‌گستری در عهدین

حال که بیان شد یهود و مسیحیان در صراطا انتظار موعودند و آن موعود را، شاه شاهان می‌دانند، اینک به این پرسش و پاسخش می‌پردازیم که آیا اهل کتاب، آن موعود جهانی را عدالت‌گستر هم می‌دانند؟

شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهود و مسیحیان موج می‌زند.

۱. همان.

۲. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول بهار ۷۹، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۳. قاموس کتاب مقدس، ص ۸۰۶.

یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رها کند و فرمانروای جهان گرداند.<sup>۱</sup> مهمترین مزده مسیحایی و عدالت گستری‌اش در کتاب «اشعیاء» نبی آمده است که تصویر روشنی از عدالت‌پروری او را به نمایش می‌گذارد.

### بشارت‌های کتاب اشعیاء به عدل گستری موعود

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است آمده است:  
 نهالی از تنه یسی (پدر داوود) بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به عصای دهان خویش زده، شیربران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. کمریند کمرش عدالت خواهد بود و کمریند میانش امانت.<sup>۲</sup>

در فراز دیگری از این کتاب آمده است:

موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق گوش‌های خود تنبیه نخواهد نمود.<sup>۳</sup>

کیست کسی را از مشرق برانگیخت، که عدالت او را نزد پاهای وی می‌خوانند، امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل کاه که پراکنده می‌گردد و به کمال وی تسلیم خواهد شد نمود. ایشان را تعقیب نموده، به راه‌هایی که با پاهای خود نرفته، به سلامتی خواهد گذشت.<sup>۴</sup>

از این فرازها چنین برمی‌آید که انسانی فوق‌العاده و ممتاز ظهور می‌کند و بر همه جهان مسلط می‌شود و دنیا پر از عدل و داد می‌گردد به گونه‌ای که کسی جرأت ظلم به دیگران را در خود نمی‌بیند؛ زیرا از آن می‌ترسد که گزارش داده شود و در چنگال عدالت گرفتار گردد. در بخشی دیگر از همین کتاب آمده است که آن موعود جهانی، عدالت اجتماعی را برقرار خواهد کرد و امنیت عمومی به وجود خواهد آمد. همانند همین بند:

۱. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰۱.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیاء نبی، دارالسلطنه لندن، مطبوع سنه ۱۹۳۲، باب ۱۱، ص ۱۰۳۱، بند ۶-۱.

۳. همان.

۴. همان، باب ۴۱، بندهای ۴-۲، ص ۱۰۵۷.



آن گاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید، و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی ساکن خواهند شد.<sup>۱</sup>

جمع امت‌ها به سوی او روان خواهند شد... او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد... امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.<sup>۲</sup>

## بشارت‌های کتاب زبور

تورات و انجیل فعلی نیز از ناجی موعود خبر داده‌اند و قرآن کریم نیز از بشارت تورات و زبور داوود به ظهور نبی و به میراث رسیدن زمین به صالحان خبر داده است و می‌فرماید:

«و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»<sup>۳</sup>

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که در آینده، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

عین همین عبارت در زبور فعلی موجود است. اینک متن زبور:

۱۴۱

زیرا که شریان منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندکست که شریر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود. (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. (۱۲) شریر به خلاف صادق، افکار مذمومه می‌نماید و دندنان‌های خویش را بر او می‌فشارد. (۱۳) خداوند به او متبسم است؛ چون که می‌بیند که روز او می‌آید. (۱۴) شریان شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند. و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد. (۱۶) کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شریان شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است. (۱۸) خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. (۱۹) در زمان بلا، خجیل نخواهند شد و در ایام قحطی سیر

۱. همان، باب ۳۲، بندهای ۱۶-۱۸.

۲. همان، باب دوم، بندهای ۲-۶ ص ۱۰۰۹.

۳. انبیاء، ۱۰۵.

خواهند بود. (۲۰) لکن شریران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند مثل پیه بره‌ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد. (۲۱) زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. (۲۹) صدایان وارث زمین شده، ابدأ در آن ساکن خواهند شد. (۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران، این را خواهی دید. (۳۸) اما عاصیان عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد.<sup>۱</sup>

در این بندها که از کتاب زیور بیان شد، به ظهور منجی اعظم و سرکوب ظالمان تصریح شده است. این متن مقدس در باب عدالت گستری روشن است و نیازی به توضیح بیش‌تر دیده نمی‌شود. به یقین، اگر صالحان وارث زمین شوند که وعده قرآن نیز هست و چله کمان ظالمان شکسته شود و نسل آدم‌های شرور قطع شود، آرمان شهری از عدالت تحقق پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> گفتنی است نویدهای زیور فراوان است و در پیش از ۳۵ بخش از مزامیر (۱۵۰) گانه نوید ظهور آن موعود منجی عالم موجود است و بر طالب تفصیل است که به عهد عتیق مراجعه کند.<sup>۳</sup>

## بشارت انجیل مرقس

و چون او - عیسی - از هیکل بیرون می‌رفت یکی از شاگردانش به او گفت: ای استاد! ملاحظه فرما چه نوع سنگ‌ها و چه عمارت‌هاست؟ حضرت عیسی (ع) در جواب وی گفت: آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود. و چون او بر زیتون مقابل هیکل نشسته بود... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود؟ آن گاه عیسی در جواب ایشان گفت: زنها را کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده و خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند نمود.<sup>۴</sup>

۱. کتاب عهد عتیق و جدید، مرموز، ۳۷، بندهای ۲۸-۹.
۲. واضح است میراث بردن زمین مزده ویژه‌ای است به صالحان که آینده زمین از آن آنان خواهد بود و این صاحب اختیاری منحصر به منطقه‌ای یا مقطعی از زمان نخواهد بود و قابل زوال و بازگشت به عقب نیست.
۳. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات جمکران، ص ۳۱۰.
۴. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۸-۱، ۲۳، ۲۸-۲۹، ص ۴۱.

## بشارت عدل گستری موعود در انجیل متی

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آن‌ها را از هم‌دیگر جدا می‌کند به گونه‌ای که شبان‌میش‌ها را از بزها جدا می‌کند... آن گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گویند: بیاید ای برکت یافتگان از پدر من، و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید.<sup>۱</sup>

از این چند بندی که نقل شد، فهمیده می‌شود که آن موعود جهانی پس از تشکیل حکومت، بر مسند داوری می‌نشیند و سعادت عمومی به دست توانای آن حضرت بر پا می‌شود و در ضمن همین مطالب به اقتدار آن رهبر جهانی اشاره شده است. گفتنی است مستر هاکس می‌نویسد: کلمه «پسر انسان» ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن در عهد جدید به کار رفته است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر از «مصلح» و نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.<sup>۲</sup>

در گنجینه‌ای از تلمود آمده است:

۱۴۳

اعتقاد عموم بر این است که ظهور ماشیح و فعالیت‌های او در راه بهبود وضع جهان و تامین سعادت بشر، قسمتی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است. از این رو در این باره آمده است: «پیش از آن که عالم هستی به وجود آید، هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن، جهنم، اورنگ جلال الهی، بیت همقداش و نام ماشیح».<sup>۳</sup>

سپس می‌نویسد: دانشمندان یهود این نکته را به مردم یادآوری می‌کردند که پیش از ظهور ماشیح، آشفته‌گی و فساد در جهان به حد اعلی خواهد رسید و مشکلات و سختی‌های زندگی تقریباً غیر قابل تحمل خواهند شد. و در نهایت، اثری که دوران ماشیح بر وضع دنیای آینده خواهد گذشت متذکر می‌شود و آن آثار را در اثرهای ذیل خلاصه می‌کند:

او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد چنان که مکتوب است. بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی

۱. همان، باب ۲۵، بند ۳۱-۳۴، ص ۴۴.

۲. قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹.

۳. راب، دکتر، ۱، کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه از متن انگلیسی، امیر فریدون گرگانی، تصحیح چاپ، غلامرضا ملکی به اهتمام امیرحسین صدری پور، ص ۳۵۲، (به نقل از بساحیه، ۵۴ الف).

برای تو نخواهد تابید. زیرا که بیهوش، نور جاودانی تو و خدایت، زیبایی تو خواهد بود.<sup>۱</sup>

تمام شهرهای ویران شده را از نو آباد خواهند کرد و در جهان جایی ویرانه یافت نخواهد شد. حتی شهرهای سدوم و عمورا نیز در زمان ماشیح آباد خواهند شد. و خواهرانت شهر سدوم و دخترانش (دهات اطرافش) به حالت نخستین خود باز خواهند گشت.<sup>۲</sup>

### صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکمفرما خواهد شد:

گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم. طفل کوچک آنها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. و طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدس من ضرری و فسادی نخواهند کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آب‌ها که دریا را می‌پوشاند.<sup>۳</sup>

خداوند، تمام حیوانات و خزندگان را فراخوانده و با آنها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست، چنان که گفته شده است: در آن روز جهت ایشان با پرندگان و حیوانات صحرا و خزندگان زمین عهد بسته و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید.<sup>۴</sup>

گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود و آواز و گریه و فغان و صدای ناله و فریاد دیگر در آن شنیده نخواهد شد.<sup>۵</sup> دیگر نه آه و ناله به گوش خواهد رسید و نه فریاد و فغانی؛ نه غم و اندوهی وجود خواهد داشت و نه حزن و ماتمی؛ بلکه همه شادمان و

۱. گنجینه‌ای از تلمود (به نقل از ملاکی ۴: ۲ یا ۱۹: ۳).

۲. همان، (به نقل از اشعیا، ۶۰: ۱۹).

۳. گنجینه‌ای از تلمود، (به نقل از اشعیا، ۶۵، ۱۱، ۱۸ و ...).

۴. همان، (به نقل از هوشع، ۲: ۲۰).

۵. همان، (به نقل از اشعیا، ۶۵: ۱۹).

خوشحال خواهند بود، چنان که آمده است: و قدیه شدگان خداوند بازگشته و با ترنم به صهیون خواهند آمد، و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد.<sup>۱</sup>

در جهان امروزی هنگام شنیدن خبرهای خوش چنین می‌گوید: متبارک است خدایی که نیک است و نیکی می‌کند و هنگام استماع خبرهای بد باید بگوید «متبارک است داور حقیقی» و در جهان آینده فقط این را خواهند شنید «متبارک است خدایی که نیک است و نیکی می‌کند».<sup>۲</sup>

گفتنی است که بز این نکته تأکید شده است که ماشیح، دورانی از صلح پایدار و بی‌زوال و شادمانی و خرسندی را در سراسر جهان پدید خواهد آورد. ناگفته نماند یهود عقیده دارند:

بیش از همه ملت‌ها، ملت اسرائیل با ظهور ماشیح خوشبخت خواهد شد. ظلم و جورری که از جهانیان تحمل کرده است، پایان خواهد یافت و به مقام عالی که خداوند برایش مقدر کرده است خواهد رسید. دگرگونی بخت ملت اسرائیل از بدی به خوبی، و ترقی و سعادت ایشان به حدی قابل توجه و شگفت‌انگیز خواهد بود که بسیاری از غیر یهودیان کوشش خواهند کرد تا به جامعه ایشان پیوندند، ولی چون محرک اصلی آنان سهم بردن از سعادت اسرائیل است و نه گرویدن به دین آنان، از این جهت آنان را در جامعه یهود نخواهند پذیرفت... زیرا دانشمندان گفته‌اند: در دوران ماشیح اگر کسی بخواهد به دین یهود درآید او را نمی‌پذیرند.

یا این که می‌نویسد:

ماشیح، جمع‌آوری و اتحاد اسرائیل را عملی خواهد کرد... و پیش از گردآمدن مجدد اسباط پراکنده اسرائیل، واقعه شگفت‌انگیز دیگری رخ خواهد داد و آن تجدید بنای شهر مقدس اورشلیم است. اگر کسی بگوید که پراکنده‌گان ملت اسرائیل گرد آمده‌اند و هنوز اورشلیم آباد نگشته است، سخنش را باور مکن. چرا؟ زیرا که مکتوب است:

۱. همان، (به نقل از اشعیا، ۳۵-۱۰، شموت ربا، ۱۵-۲۱).

۲. همان، ص ۳۵۸-۳۵۹ (به نقل از پساخیم ۱۵۰ الف).

«خداوند اورشلیم را بنا می‌کند» و سپس گفته شده: «او پراکنندگان اسرائیل را جمع‌آوری می‌نماید».<sup>۱</sup>

و در پایان می‌نویسد:

از آن‌جا که دوران ماشیح چنین خوبی‌ها و چنین سعادت عظیمی را با خود خواهد آورد، پس حق آن است به نیکوکارانی که از جهان گذشته‌اند اجازه داده شود تا در آن شرکت جسته و شیرین و بدکاران از آن محروم گردند. در نتیجه، اعتقاد به ظهور ماشیح با ایمان به حقیقت رستاخیز مردگان در صورتی که شایسته چنین پاداش و موهبتی باشند، همراه است.

درباره کسانی که زندگی ناشایسته و پر از فساد دارند چنین آمده است:

در (فصل رستاخیز مردگان) است: «نزدیک ایام ماشیح، طاعون عظیمی به جهان خواهد آمد و شیرینان با آن نابود خواهند شد».<sup>۲</sup>

موجودات دیگر نیز از عدالت او بهره‌مند خواهند شد. در کتاب تورات پس از آن که از دادگری موعود سخن می‌گوید، آمده است:

کمرند کمرش عدالت خواهد بود و کمرند میانش امانت. گریگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و...<sup>۳</sup>

از این بندها و بندهای پیش گفته به خوبی فهمیده می‌شود که موجودات دیگر نیز از برکت عدالت آن حضرت بهره‌مند می‌شوند و درندگان خونی، خوی وحشیانه خود را از دست می‌دهند و با هم سازشی عادلانه دارند. از اینرو موجودات دیگر نیز از برکت عدالت گستری او بهره‌مند می‌گردند.

### اختلاف نظر مسیحیان و یهود در هویت رهبر موعود الهی

... یهود و مسیحیان معتقدند که وی از ذریه اسحاق، از فرزندان یعقوب و از نوادگان داوود است. مسیحیان می‌گویند: این رهبر [موعود] اسرائیلی، مسیح بن مریم است که به دست یهود کشته شد. خدای متعال، وی را زنده کرد و از میان مردگان برانگیزاند و به آسمانش بُرد و در آخر دنیا، وی را می‌فرستد تا توسط وی، وعده‌اش را تحقق بخشد.

۱. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۶۰ (به نقل از مزامیر داود ۱۴۷:۲).

۲. همان، ص ۳۶۱ (شیر هشیرم ربه، مربوط به آیه سیزدهم از فصل دوم غزل‌های سلیمان).

۳. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیا، نبی، بندهای ۹۶.

یهودیان می‌گویند: وی [= رهبر موعود] هنوز زاده نشده است.

آیه ۲۰ صحاح [= سوره] ۱۷ سفر تکوین [= پیدایش] به وعده‌ی خدای متعال به اسماعیل عليه السلام اشاره دارد:

ای اسماعیل! سخت را درباره‌ی وی [= رهبر موعود] شنیدم. منم آن که مبارکش می‌گردانم و رشدش می‌دهم و توانش را بسیار بسیار می‌کنم و دوازده رهبر می‌زاید و امت عظیمی قرارش می‌دهم.<sup>۱</sup>

«حنان ایل»؛ مفسر یهودی در حاشیه بر این آیه می‌نویسد:

از پیش‌گویی این آیه ۲۳۳۷ سال گذشت تا عرب (ساله اسماعیل) [با ظهور اسلام در سال ۶۲۴ م] امتی عظیم گردند. در این مدت، اسماعیل مشتاقانه منتظر بود وعده‌ی الهی محقق شود و عرب بر حاکم چیره گردند. ولی ما که ذریه‌ی اسحاق هستیم، تحقق وعده‌ی الهی که به ما داده شده بود به سبب گناهانمان به تأخیر افتاد، اما حتماً وعده‌ی الهی در آینده محقق خواهد شد. پس نباید نومید شویم.<sup>۲</sup>

۱. انتظار، فصلنامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی علیه السلام، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۰، مقاله مهدی منتظر علیه السلام و نشانه‌های ظهور، نوشته سامی بدری، ص ۱۷۵.

۲. همان؛ به نقل از The Stone edition, The chvmash, by R.hosson Scherman, First

